

آنچه پیش از ازدواج باید بدانیم (مسائل حقوقی و روان‌شناسی)

نویسنده: مزده اسدی

انتشارات آرمان رشد

۱۳۹۷

فهرست

مقدمه

فصل اول: دوستی‌های خیابانی

آسیب شناسی و پیامدهای دوستی‌های

خیابانی

ازدواج و دوستی‌های خیابانی

های دوستی خیابانی و ویژگی

آسیب شناسی دوستی‌های خیابانی

پیشگیری از دوستی‌های خیابانی

تفاوت زندگی مشترک با دوستی‌های

عاشقانه

آینده این دوستی‌ها

ها باشید مراقب شیوه آشنایی

فصل دوم: قواعد ازدواج

قداست ازدواج

اهداف ازدواج

ازدواج‌های ممنوع از دیدگاه اسلام
هایی از آمادگی و عدم آمادگی افراد نشانه
برای ازدواج

های آمادگی افراد برای ازدواج نشانه
موانع ازدواج

فصل سوم: تردیدهای ازدواج

تردیدهای ازدواج

هفت خوان در ازدواج

فصل چهارم: ملاک‌های انتخاب

های انتخاب همسر ملاک

های منطقی اصلی توضیح ملاک

های منطقی فرعی توضیح ملاک

های احساسی ملاک

با چه کسانی نباید ازدواج کرد؟

افرادی که برای ازدواج با یکدیگر مناسب

نیستند

روابطی که مناسب ازدواج نیستند

ازدواج سنتی یا مدرن؟

تراست، ازدواج سنتی یا کدام یک موفق

امروزی؟

گری در ازدواج واسطه

های ازدواج‌هایی برای واسطه توصیه

های واسطه ازدواج خوب و مورد ویژگی

اعتماد

پاداش وساطت در ازدواج از منظر روایات

فصل پنجم: خواستگاری

خواستگاری

همراهان خواستگار

های گفتگو در خواستگاری مهارت

های جلسات خواستگاری پرسش

محورهای هشت گانه

محورهای اختصاصی از سوی دختر

های اختصاصی سؤال

ده نکته طلایی در گفتگو

تحقیق در ازدواج

زمان تحقیق

موضوعات قابل طرح در تحقیق

فصل ششم: مشاوره و ازدواج

مشاوره قبل از ازدواج

موارد منع ازدواج در مشاوره

باورهای نادرست اما رایج درباره ازدواج

چند توصیه کوتاه برای رهایی از افسانه‌های

ازدواج

علائم هشداردهنده در ازدواج

ها و معیارهای ازدواج موفق ملاک

بینی‌کننده‌های ازدواج موفق پیش

هشت عامل مهم در ازدواج موفق

کتاب نما

تقدیم به پدر و مادر عزیزم

عزیزانی که بودنشان تاج افتخاری است بر
سرم و نامشان دلیلی است بر بودنم.

«آنگاه المیترا باز به سخن در آمد و گفت:
«درباره زندگی زناشویی چه می گوئید استاد؟»
و او در پاسخ گفت: «شما همراه زاده شده‌اید
و تا ابد همراه خواهید بود.»

تا هنگامی که بال‌های سفید مرگ روزتان را
پریشان کند همراه خواهید بود.

آری، شما در خاطر خاموش خداوند نیز
همراه خواهید بود.

اما در همراهی خود حد فاصل را نگه دارید و
بگذارید بادهای آسمان در میان شما به رقص
در آیند.

به یکدیگر مهر بورزید اما از آن بند نسازید.
بگذارید که مهر، دریای مواجی در میان دو
ساحل روح شما باشد.

جام یکدیگر را پر کنید اما از یک جام
ننوشید.

از نان خود به یکدیگر بدهید اما از یک گرده
نان نخورید.

با هم بخوابید و پایکوبی کنید و شاد باشید اما
یکدیگر را تنها بگذارید.

همان گونه که تارهای ساز تنها هستند، با آن
که از یک نغمه به ارتعاش در می آیند.
دل خود را به یکدیگر بدهید اما نه برای
نگهداری، زیرا که تنها دست زندگی می تواند
دل را نگه دارد.

در کنار یکدیگر بایستید اما نه تنگاتنگ، زیرا
ستون های معبد دور از هم ایستاده اند و درخت
بلوط و درخت سرو در سایه یکدیگر
نمی بالند.^۱

^۱ . پیامبر، خلیل جبران، جبران، الهی قمشه ای، حسین، روزنه،

مقدمه

اساس و رکن اصلی خانواده به عنوان زیربنای جامعه، ازدواج است.

در جامعه ما عشق و ازدواج با یکدیگر پیوند خورده است؛ بدین معنا که وقتی دو نفر احساس می‌کنند عاشق یکدیگر شده‌اند، ازدواج می‌کنند. ازدواج به مراسمی طبیعی و عادی در زندگی تبدیل شده است. در گذشته ازدواج ساده بود و زن به امور خانه می‌رسید و مرد مخارج را تأمین می‌کرد و هدف از ازدواج تشکیل زندگی و بچه‌دار شدن و رشد اقتصادی بود؛ در نتیجه احتمال موفقیت نیز بیشتر بود اما امروزه در همه جای جهان موفقیت در ازدواج کاهش یافته و ازدواج موقت یا دوستی‌های خیابانی و مجازی جای ازدواج را گرفته و موجب بالا رفتن آمار طلاق شده است.

امروزه فرآیند ازدواج دشوارتر شده و سطح توقعات در ازدواج بالا رفته است. ما به جای این که خواهان رشد شخصی و خانوادگی

باشیم همسری می‌خواهیم که بتواند دوست و حامی قدرتمند ما باشد، رضایت کامل جنسی ما را فراهم کند، تمام نقش‌های مورد نیاز ما را ایفا کند و هر آنچه که می‌خواهیم باشد؛ یعنی بهترین دوست، شریک جنسی خوب، خانه‌دار، مربی، پرستار، آشپز و... همین‌طور که می‌بینیم، عملی کردن تمام این خواسته‌ها ناممکن است؛ زیرا برخی از جوانانی که در آستانهٔ ازدواج قرار دارند و یا در انتظار ازدواج به سر می‌برند اغلب درگیر معضلات اجتماعی و مشکلات اقتصادی می‌باشند و از کمبود درآمد و نیز هزینه‌های بالا و سنگین می‌نالند. از توقعات بالای خانواده‌ها، از سبک زندگی کنونی حاکم بر جامعه که حکایت از تجمل‌گرایی و برتری طلبی دارد و بر ازدواج جوانان تأثیر گذاشته نگران می‌باشند. به همین دلیل، در ازدواج کردن احساس ضعف و ناتوانی دارند و ادارهٔ امور زندگی خانوادگی را مشکل می‌دانند؛ بنابراین، جرأت ازدواج را در خود نمی‌بینند و فکر می‌کنند

که در این مقطع زمانی قادر به ازدواج کردن و تشکیل خانواده نیستند، به همین جهت میل و رغبتی به آن از خودشان نشان نمی‌دهند و روز به روز ازدواج خود را به تأخیر می‌اندازند.

با وجود همهٔ این دغدغه‌ها و مشکلات، ازدواج هنوز هم بسیار ارزشمند است و بسیاری از ما ازدواج و یا ازدواج مجدد می‌کنیم. در این میان، نخستین هدف ما داشتن ارتباط عاطفی راضی‌کننده است و اهداف دیگرمان شامل سلامت، آسایش و احساس امنیت می‌باشد.

پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مردان و زنان متأهل در ازدواج خوب:

- بیشتر عمر می‌کنند.
- کمتر مواد مخدر مصرف می‌کنند.
- پول و ثروت بیشتری دارند.
- دستگاه ایمنی بدنشان در برابر بیماری‌ها نیرومندتر است.

• احتمال ابتلا به سرطان در زنان متأهل

دو تا سه برابر کمتر است.

• میزان حملات قلبی و اضطراب و

سرطان در مردان کمتر است.

شما نیز مجبور نیستید مجرد بمانید و نباید از

ازدواج بترسید و تصور کنید که نمی‌توانید

همسری مناسب پیدا کنید، مسلم است که

می‌توانید. اگر نگرش‌ها و باورهای نادرست

خود را دربارهٔ ازدواج، عشق و همسر

آرمانی رها کنید و در مسیری از آگاهی قرار

گرفته و اختیار زندگی عاطفی و عشقی خود

را در دست بگیرید، بیش از یک همسر بالقوه

برای شما وجود خواهد داشت که می‌توانید از

بین آنها شریک زندگیتان را انتخاب کنید.

زندگی عاشقانه متفاوت از دیگر حیطه‌های

زندگی نیست و شما باید برای خلق زندگی

زناشویی عاشقانه و خوب مسئولیت بپذیرید و

تلاش کنید و در واقع ازدواج عاقلانه به همین

معناست.

فردی که برای ازدواج با شما مناسب باشد به طور تصادفی سر راهتان سبز نمی‌شود. شما باید خودتان را به اطلاعات، مهارت‌ها، راهبردهای مفید و باورهای عاقلانه مجهز کنید و بر مبنای آنها برنامه‌ای عملی بریزید و در همان مسیر حرکت کنید.

برای رسیدن به چنین هدفی، در این کتاب از نظریات متخصصان امور ارتباط و ازدواج استفاده شده است که بی‌شک اطلاعات مطرح شده در این کتاب سودمند خواهد بود و آشنایی با آنها در انتخاب همسر و زندگی مشترک عاقلانه کمک‌تان می‌کند و می‌توانید از زندگی در کنار همسری که دوستش دارید لذت ببرید؛ شما توانایی و شایستگی این گونه زندگی را دارید.

فصل اول: دوستی‌های خیابانی

آسیب‌شناسی و پیامدهای

دوستی‌های خیابانی

دوستی‌های خیابانی، اشک‌های

پشیمانی

«سلام خانم... باور کنید من مزاحم نیستم، من از ظاهر شما خیلی خوشم اومده، این شماره ۰ من... اگه ممکنه با من تماس بگیرید، مطمئن باشید که پشیمون نمی‌شید...» این جملات، جملات تکراری بسیاری از دختران و پسران ایرانی است که در اثر یک اشتباه، مسیر زندگی‌شان تغییر کرده است، یک تماس و آغاز رابطه‌ای بدون شناخت با سرانجام مبهم و غیرقابل پیش‌بینی.

دوستی‌های خیابانی و آشنا شدن دختران و پسران به دور از چشم والدین یکی از معضلات اجتماعی است. علل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در جوامع باعث شده سن ازدواج بالا رود و جوانان کمتر تشکیل خانواده بدهند که البته دنیای ارتباطات نیز در

شیوع این معضل نقش بسزایی دارد. انسان دارای نیازهای مختلف زیستی، اجتماعی، عاطفی و شناختی می‌باشد، او نیازمند خوردن، آشامیدن و تعامل با دیگران است. این تعامل با دیگران در پی پاسخ به پرسش‌های شناختی خود و بالاخره مهمترین نیاز انسانی، محبت کردن و مورد محبت واقع شدن است.

برخی از روان‌شناسان با بررسی نیازهای مختلف بشری و سطح بندی آن بر تأمین نیازهای عاطفی در دوران نوجوانی و جوانی تأکید فراوان دارند؛ اما مسئله‌ای که می‌تواند در اینجا مطرح باشد، تأمین نیازهای عاطفی از طریق رابطه با جنس مخالف است که اصطلاحاً در جامعهٔ ما از آن با نام «دوست دختر، دوست پسر» یاد می‌کنند. مقصود از دوستی‌های دختر و پسر، رابطه‌ای نسبتاً صمیمانه و گرم و پنهانی است که از طریق دیدارهای مخفیانه و رد و بدل کردن هدیه یا برقرار ساختن ارتباط تلفنی بین دختر و پسر ایجاد می‌شود؛ اما گسترش چنین روابطی تأثیر

منفی در کانون‌های خانوادگی دارد و پایه‌های
خانوادهٔ سالم که هسته‌ای از تشکیلات
اجتماع می‌باشد را متزلزل کرده است.

ازدواج و دوستی‌های خیابانی

یکی از علل گرایش دختران و پسران به دوستی‌های خیابانی، بهانهٔ شناخت برای ازدواج است. اکنون بسیاری از جوانان می‌خواهند برخلاف شیوهٔ سنتی اقدام کرده و خود، همسرانشان را انتخاب کنند که برای رهایی از امکان انتخاب والدینشان، بدون تحقیق و بررسی به دوستی‌های خیابانی روی می‌آورند و در صدد هستند تا به این شکل همسرشان را انتخاب کنند.

حال با توجه به این که بسیاری از پسران توان تشکیل خانواده از طریق ازدواج را ندارند، برای برطرف کردن نیازهای جنسی و عاطفی خود به این گونه دوستی‌ها روی می‌آورند و با فریب دختران در قالب ازدواج، سرنوشت شومی را برای آنها رقم می‌زنند.

نتایج یک تحقیق انجام شده از سوی انجمن مددکاری علمی ایران نشان می‌دهد که تنها ۱۰ درصد از ارتباطاتی که قبل از ازدواج در میان دختران و پسران وجود دارد به ازدواج

منجر می‌شود و در ۹۰ درصد باقی مانده، این ارتباطات قطع خواهد شد. در این تحقیق که در پنج استان بزرگ کشور و از بین ۳۰ هزار نفر نمونه انجام گرفته است، نتایج نشان می‌دهد که از بین همهٔ این افراد ۱۰ درصد با دوست خود ازدواج کرده‌اند و بقیهٔ ارتباطها با گذشت زمان به جدایی ختم شده است. بر اساس نتیجه‌گیری از این تحقیقات، این دوستی‌ها از یک ماه تا هفت سال ادامه داشته اما در همهٔ موارد نتایج یکسان بوده است.

نکتهٔ قابل توجه دیگری که از این پژوهش‌ها به دست آمده نشانگر این موضوع است که از این رقم نیز تنها دو درصد از این ازدواج‌ها با هدف‌های فردی و علاقه به طرف مقابل انجام شده و هشت درصد مابقی به دلایل مالی و دارا بودن امکانات فرد به ازدواج منجر شده است به عبارت دیگر، تعدادی از این دوستی‌ها در شرایط اضطراری و اجباری برای خروج از مرز روابط نامشروع به اجرای

تشریفات قانونی ازدواج منتهی می‌شود. این امر در وضعیتی صورت می‌گیرد که انتخاب همسر و رعایت معیارهای ضروری برای زندگی مشترک امکان‌پذیر نیست و دو دوست پس از پشت سر گذاشتن تجربه‌ی روابط نامشروع، ناگزیرند تن به ازدواج بدهند. متأسفانه دوستی‌های خیابانی با هیجانات احساسی ناشی از شدت فعالیت غریزه‌ی جنسی آغاز می‌شود و چنین ارتباطی از محبت و عشق به معنای واقعی کلمه خالی است. به اعتقاد آسیب‌شناسان اجتماعی، دوستی‌های خیابانی بدون محبت و عشق واقعی بوده و تنها براساس نیازهای غریزی و جنسی شکل می‌گیرد. این دوستی‌ها دارای ویژگی‌ها و پیامدهایی است که عمدتاً می‌تواند متوجه دختران باشد، در اینجا سعی می‌کنیم برخی از این ویژگی‌ها و آسیب‌های وارد بر افراد را بررسی کنیم.

ویژگی‌های دوستی خیابانی

از طریق چت‌های اینترنتی، مهمانی‌های خصوصی، خیابان و مزاحمت‌های تلفنی آغاز و بعد از طی مراحل که دور از چشم خانواده‌ها می‌باشد ادامه پیدا می‌کند و در نهایت منجر به خطر افتادن آبروی دختر می‌شود.

در این نوع روابط عاطفی معمولاً پسران با دختران طرح دوستی می‌ریزند.

این گونه دوستی‌ها به صورت پنهانی و دور از چشم خانواده و آشنایان صورت می‌گیرد.

به دلیل مخفی بودن این روابط دختر و پسر برای ملاقات یا برقراری ارتباط با یکدیگر انرژی و وقت زیادی به منظور برنامه‌ریزی و فراهم آوردن مقدمات صرف می‌کنند.

معمولاً این دوستی‌ها بدون مانع و با سرعت انجام می‌گیرد.

دوستان نقش بسزایی در به وجود آمدن این روابط دارند.

۱. انگیزه داشتن در این روابط معمولاً نامشخص می‌باشد، اما معمولاً انگیزهٔ رایج در بین پسران این است که آنها دوست دختر را یک قدرت فردی و اجتماعی برای خود تلقی می‌کنند و دختران نیز داشتن دوست پسر را یک جاذبهٔ فردی و اجتماعی برای خود به حساب می‌آورند. به همین دلیل بین افرادی که این افکار را دارند، دوست دختر یا دوست پسر نداشتن نوعی بی‌عرضگی به حساب می‌آید.

۲. تقریباً تمام پسران به دوست دخترهای خود وعدهٔ ازدواج می‌دهند و دختران نیز در تخیل خود ازدواج با دوست پسرشان را در ذهن می‌پرورانند و از آنجا که این تخیلات برای دوری از اضطراب و نزدیک شدن به هنجارهای جامعه صورت می‌گیرد، در اغلب موارد به دلیل مخالفت خانواده‌ها و به دلیل ناپختگی دختر و پسر جامعهٔ عمل نمی‌پوشد.

آسیب شناسی دوستی های خیابانی

دختران و پسرانی که از راه غیرمشروع با فردی از جنس مخالف رابطهٔ دوستانه برقرار می کنند ممکن است از جهات مختلف آسیب ببینند و این آسیب ها هر چند متوجه دختر و پسر است اما دامنه و شدت آن برای دختران بیشتر است. این آسیب ها عبارتند از:

(۱) آسیب های روانی

گاهی دختری به پسری علاقه مند شده و حتی خود را در اختیار وی قرار می دهد. پس از بی وفایی پسر و ترک وی، به شدت دچار سرخوردگی شده و گاهی تا مرز افسردگی و بیماری های شدید روانی پیش می رود و همچنین، اعتماد چنین شخصی از جنس مخالف به دلیل بی وفایی هایی که در نتیجهٔ آن ارتباط دیده سلب خواهد شد و نمی تواند در زندگی آینده متعادل باشد.

(۲) آسیب های اجتماعی

دختری که در شهر کوچک با پسری ارتباط دارد و ارتباط آنها آشکار می شود، جایگاه و

شخصیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد. حتی اگر ازدواج کند ممکن است (با توجه به فرهنگ خانوادهٔ پسر) از طرف همسر و خانوادهٔ شوهر سرزنش شود و به هر بهانه‌ای روابط قبلی وی را به رخش بکشند. این پدیده می‌تواند تهدیدی برای نهاد خانواده در جامعه و افزایش میزان طلاق باشد.

(۳) آسیب‌های تربیتی

دختری که با پسر یا حتی پسرانی ارتباط دارد، جایگاه خود را به عنوان فردی شایسته برای تربیت در ذهن اولیای خانه و مدرسه، دانشگاه و حتی در بین دوستانش از دست می‌دهد. چنین دختری از مسیر تعلیم و تربیت عقب می‌ماند یا برخی از راهکارهای تربیتی را پذیرا نمی‌گردد.

(۴) آسیب‌های معنوی

دختری که به صورت نامشروع با پسری رابطه دارد با گناه و معصیت از خداوند دور شده و از نظر اخلاقی نیز آسیب می‌بیند.

(۵) ضعیف شدن حس اعتماد

دختران و پسرانی که بر اثر آشنایی در خیابان یا محیط‌های دیگر و ایجاد علاقه و دوستی بین آنها به ازدواج اقدام می‌کنند گاهی در زندگی آینده دچار بی‌اعتمادی می‌شوند؛ زیرا با خود می‌گویند: «همسر من که به راحتی با من دوست شده و با من ارتباط برقرار کرده است آیا امکان ندارد که قبلاً با دیگری نیز دوست شده باشد؟» این فکر همیشه برای زوجین آزاردهنده است و در روابط و تصمیم‌های زندگی نیز خود را به صورت‌های مختلف نمایان می‌سازد؛ حتی اگر به ازدواج ختم نشود، چون خود با این مسئله مواجه بوده احتمال می‌دهد که شاید همسر او نیز با شخص دیگری پیش از ازدواج رابطه داشته است. این مسئله در سطح گسترده به حس اعتماد اجتماعی نیز آسیب می‌رساند. در جامعه‌ای که روابط پنهانی دختران و پسران گسترده باشد برای کسی که قصد ازدواج دارد و تصمیم گرفته با دختر پاک دامن زندگی مشترک را آغاز کند، همیشه این

دغدغه را در وجود خود دارد که آیا این
دختر با شخص دیگری پیش از او رابطه
نداشته است؟

پیشگیری از دوستی‌های خیابانی

بیش از هر چیز باید خانواده‌ها به نقش حیاتی خود در برابر فرزندان آگاه شوند تا بتوانند الگوهای صحیح رفتاری را به فرزندان ارائه دهند و هویتی سالم و پویا به آنان ببخشند. والدین باید به نیازهای عاطفی و روحی فرزندان و شیوه‌های صحیح پاسخگویی به این نیازها واقف شوند. از روش‌های تربیتی مؤثر در این زمینه‌ها به این موارد اشاره می‌شود:

- تقویت ارزش‌های اخلاقی، معنوی و انسانی و سست گردانیدن معیارهای مادی در نظر جوانان

- تقویت و توسعهٔ مراکز ورزشی و تفریحی و برنامه‌ریزی صحیح برای اوقات فراغت جوانان

- ارائهٔ خدمات رفاهی و اجتماعی جهت برطرف کردن کمبودهای عاطفی نوجوانان و جوانان

- پرورش احساس عزت نفس و اعتماد به نفس نوجوانان و جوانان در خانواده و فضاهای آموزشی مدرسه و دانشگاه
- بهسازی وضع خانواده‌ها از راه تماس با کارشناسان متخصص در امور خانواده
- استفاده از فیلم‌ها و نوارهای تربیتی
- سالم سازی محیط اجتماعی نوجوانان و جوانان و نیز از بین بردن تبعیض میان طبقات جامعه
- آموزش مهارت‌های حل مسئله به نوجوانان و جوانان و نیز شیوه‌های تصمیم‌گیری
- آموزش اصول بهداشت روانی به خانواده‌ها و فرزندان
- پرهیز از سخت‌گیری و تنبیه و همچنین اجتناب از آسان‌گیری در تربیت فرزندان
- تشویق جوانان به رعایت تعادل و دوری از بی‌بند و باری
- برقراری احساس امنیت در خانواده‌ها و جامعه و جلوگیری از بروز اضطراب در نوجوانان و جوانان

تفاوت زندگی مشترک با دوستی‌های

عاشقانه

بسیاری از جوانان تصور می‌کنند که زندگی مشترک و شرایط به وجود آمده در زمان ازدواج مانند شرایطی است که در زمان دوستی یا نامزدی بین دو طرف حاکم بوده است و مقایسه بین این دو شرایط برای تعدادی از زوج‌ها باعث شده تا بدبینی خاصی نسبت به زندگی مشترک داشته باشند، در حالی که دنیای دوستی و نامزدی بسیار متفاوت از زندگی مشترک می‌باشد.

- دنیای دوستی دنیای رویاها و ایده‌آل‌ها می‌باشد در حالی که زندگی مشترک، دنیای کاملاً حقیقی و ملموس است. دنیایی که در آن خوبی‌ها و بدی‌ها در کنار یکدیگر است و تنها می‌توان با تلاش و کوشش و صبوری دنیای ایده‌آلی ساخت.

- دنیای دوستی سراسر شیرینی، امید و شرایط مطلوب است و اینجا مرد مورد علاقات کاملاً در اختیار است، برای با تو بودن به اندازه ُ کافی فرصت دارد، تنها به تو می‌اندیشد و به همه خواسته‌های تن می‌دهد. زن مورد علاقات به همان گونه است که تو می‌خواهی، تنها به فکر توست و برای رضایت و خشنودی تو تلاش می‌کند.

- در زمان دوستی از گذشته خود به راحتی صحبت می‌کردی، از همه خواسته‌های بی‌پرده سخن به میان می‌آوردی و احساس می‌کردی که گذشته و حال برای خودت می‌باشد و آزاد هستی تا در انتخاب خود تجدیدنظر کنی، همه چیز را عاشقانه می‌نگریستی و از کمی‌ها و کاستی‌ها به راحتی می‌گذشتی چون باور داشتی که

باید این زندگی رؤیایی را شیرین نگاه داشت و برای شیرین بودن آن باید از عیب‌ها گذشت، اما همین که وارد زندگی مشترک می‌شوی شرایط کاملاً تغییر می‌کند. اینجا دیگر صحبت از تحمل کردن است، اینجا صحبت از یک عمر زندگی است، اینجا خوبی و بدی، تلخی و شیرینی و زشتی‌ها و قشنگی‌ها در کنار همدیگر است. در دنیای دوستی، محبوبِ تو خود را به شکلی ایده‌آل به تو ارائه می‌کرد اما در زندگی مشترک تو باید از او یاری ایده‌آل بسازی.

- دنیای دوستی، دنیای نیازهای عاطفی و نیازهای غریزی است. در این دنیا برای رسیدن به خواسته‌هایت باید محبوب و مطلوبِ دوستدار خود باشی، در

اینجا رفع نیازهایت در ردیف اول اولویت‌های زندگی می‌باشد؛ بنابراین، خود را برای برآورده شدن نیازهای عاطفی یا دیگر نیازهای غریزی خود آماده می‌کنی اما در زندگی مشترک با برآورده شدن این نیازها، مسائل دیگری در اولویت زندگی قرار می‌گیرند و مردان بر اساس ساختار مغزی و نوع وظیفه‌ای که در طول تاریخ آفرینش برعهده‌شان گذاشته شده کار و موقعیت‌های اجتماعی خود را در رأس همه‌ی امور قرار می‌دهند؛ اما برای زنان، ایده‌آل‌ترین شرایط زندگی زمانی بود که مرد مورد علاقه‌شان تنها به آنها فکر می‌کرد و هیچ چیز جز زن محبوبشان در اولویت کار آنان نبود؛ اما با ادامه‌ی زندگی و هویدا شدن نیازهای

اساسی مرد، زنان از رابطهٔ معشوقانهٔ خود سرخورده شده و بنابراین، نسبت به همهٔ روابط مشترک حساس می‌شوند که این حساسیت تصور سلطه‌طلبی و زیاده‌خواهی زنان را در افکار مردان پرورش می‌دهد و این مسئله باعث می‌شود تا در برابر نیازهای عاطفی و احساسی زنان واکنش‌های منفی از خود بروز دهند. در اینجا یک رابطه ساده و عاطفی تبدیل به رابطه‌ای پیچیده و پر از شک و ظن می‌شود که حل آن تنها به دست روانکاوان متبحر انجام می‌پذیرد.

- در دنیای دوستی، همه روابط عاشقانه و بی‌عیب و ایراد است اما در زندگی مشترک این عشق‌ها کمرنگ شده و عیب‌ها خود را نمایان می‌سازند. در این نوع

زندگی‌ها باید از فرد و اندیشه
کمک گرفت و به خود و
محبوبمان بفهمانیم که هر انسانی
دارای معایب و محاسنی است و
پیدا کردن فردی که فقط خوبی
در او باشد محال است، همان‌طور
که من یا شما دارای نقاط ضعف
و عیب‌هایی هستیم.

آینده این دوستی‌ها

دوستی‌های خیابانی عاری از شکوفایی محبت واقعی است و بیشتر یک پیوند غریزی است که اگر هم به ازدواج منتهی شود، پشتوانهٔ عشق و محبت ندارد و چنین ازدواجی دوام پیدا نمی‌کند؛ زیرا پسر و دختر جوان شریک لذت‌های جنسی یکدیگر بوده‌اند و زندگی واقعی پس از ازدواج امری فراتر از ارضای غرایز جنسی است. در تجربهٔ این دوستی‌ها فرصت برای انتخاب و شناخت صحیح یکدیگر به وجود نمی‌آید، زیرا در اوج هیجانات ناشی از غرایز جنسی افراد نمی‌توانند عاقلانه و آگاهانه یکدیگر را بشناسند و انتخاب کنند. اگر هم به اجبار ازدواجی صورت گیرد، پس از مدت کوتاهی به جدایی و طلاق منتهی می‌شود و اگر به قطع رابطه برسد، بازندهٔ اصلی غالباً دختران جوان هستند که دو حالت برای آنها قابل پیش‌بینی است:

۱. دختر جوان و آسیب خورده پس از یک تجربه درس عبرت می‌گیرد و به ارزش وجودی خود پی می‌برد و این دوستی‌ها را رها می‌کند.

۲. دختر جوان و آسیب خورده در حد وسیله ای برای ارضای جنسی نزول پیدا می‌کند و به خیال خود به آزادی رسیده است و سرانجام آن پشیمانی و از دست دادن سلامت جسمی و روانی خواهد بود.

طبق آمارها طلاق نیز در ازدواج‌های خیابانی زیاد صورت می‌گیرد. کسانی که به راحتی دوست می‌شوند و ازدواج می‌کنند و بی آن که از ارزش و اهمیت بنیان خانواده آگاه شوند آن را به راحتی ترک می‌کنند و علاوه بر این، گاهی اتفاق می‌افتد که دختر و پسری در اثر این‌گونه ارتباطها به هم علاقه‌مند می‌شوند اما به دلایل متعدد این ارتباطها به ازدواج ختم نمی‌شوند، چنین افرادی حتی پس از ازدواج نیز عشق و علاقه آن دوستی خیابانی را در دل دارند و به طور طبیعی

نمی‌توانند وظایف خود را به عنوان یک همسر در خانواده به انجام برسانند و همین امر باعث بروز مشکلات جدی از قبیل طلاق و جدایی، طلاق عاطفی درون زندگی، خیانت و... می‌شود.

مراقب شیوه آشنایی‌ها باشید

آغاز رابطه از چه قرار است؟ آیا در کوی و برزن با هم آشنا شده‌اید یا این که در یکی از شبکه‌های اجتماعی باب سخن گشوده‌اید؟ معمولاً چگونگی و کیفیت آشنایی دختر و پسر از همان ابتدا عاقبت آن رابطه را مشخص می‌کند.

بسیاری از دختران جوان از سر ناآگاهی فریب پسرانی را می‌خورند که با نگاهی نه یک دل بلکه صد دل ادعای عاشقی می‌کنند و با مزه مزه کردن نام مقدس عشق، عقل و هوش دختران را چنان گرفتار خود می‌کنند که گاه گریز از دامن این عشق هوسناک برای دختر غیرممکن و محال می‌شود. پس بر دختران فهیم و دانا واجب است، بر شیوهٔ آشنایی خود بیش از پیش توجه داشته باشند و شروع رابطه‌هایشان را بر سست‌ترین بناهای دوستی و آشنایی برای ازدواج پایه‌گذاری نکنند.

بی‌تردید انتخاب یک همسر مناسب آن هم بدون تحقیق و بی‌اطلاع خانواده‌ها، کاری بس

سخت و دشوار است و بیش از آن که معنای ازدواج داشته باشد، بوی دوستی و رفاقت می‌دهد.

روش شناختن را اصلاح کنید

اگر مردی به حقیقت خواهان ازدواج با دختری باشد، نه تنها وقتش را به بطالت نمی‌گذراند و اولویت اول زندگی خود را وصال با آن خانم قرار می‌دهد، بلکه هرگز قصد هتک حرمت وی را ندارد و برای شوخی هم که شده درخواست‌های نا به جا نمی‌کند.

چه روشی را برای شناخت بیشتر انتخاب می‌کنید؟ آیا جزو آن افرادی هستید که ترجیح می‌دهید اول مدتی با طرف مقابل در رابطه باشید تا اگر ملاک‌ها و معیارهای همدیگر را داشتید، آن زمان رابطه را رسمی و خانوادگی کنید یا این که تمایل دارید ارتباط را هر چه سریعتر رسمی کنید اما طرف مقابلتان مانع آن می‌شود و با بهانه‌هایی چون (تا کاملاً همدیگر را نشناسیم نمی‌توانم پیش قدم شوم...) یا این

که (فعلاً شرایط مهیا نیست) و... نسبت به جدی شدن این مسأله بی تفاوت بوده و آن را به تعویق می اندازد؟ پس شش دانگ حواستان را جمع کنید تا هرگز عمر گرانتان را صرف فردی نکنید که نه تنها نسبت به شما بلکه نسبت به خودش هم بی مسئولیت است. پس بهتر است بدانید آقایان در روابطی که تعهدی را احساس نکنند مسیر ازدواج را دنبال نمی کنند و حتی اگر اتفاقی و به ناچار در مسیر ازدواج قرار گیرند، بعد از ازدواج همواره به تعهدشان پایبند نبوده و احتمال زیاد همان رویهٔ تجردی را دنبال خواهند کرد.

خط قرمزها را مشخص کنید

رابطهٔ شناخت بدون اطلاع خانواده ها، همیشه مشکل دار و ناقص است و چه بسا هر چقدر هم شما منطقی باشید در نهایت پس از مدتی مغلوب احساسات و عواطف خود می شوید و در دامی گرفتار می آید که ممکن است راه فراری از آن نداشته باشید؛ اما اگر همواره اصرار دارید که باید خودتان فرد

مقابلتان را بشناسید، پس لازم است که برای این ارتباط حد و مرز تعیین کنید و خطوط قرمز آن را هم برای خود و هم برای ایشان تعریف نمایید.

شما به عنوان یک دوشیزه با کمالات، باید صحبت راجع به مسائل جنسی را تنها مشروط به دوران نامزدی بدانید و لاغیر؛ بی تردید اگر پسری شما را برای ازدواج انتخاب کرده باشد بی شک پیشنهاد منطقی شما را می پذیرد.

دختر خانم‌ها گوش به زنگ باشند

بپذیرید، مردان با دخترانی که با دو بوق سوار ماشینشان می‌شوند و یا به راحتی شماره دریافت می‌کنند و دوست می‌شوند هرگز ازدواج نمی‌کنند، چرا که اساساً انسان جذب آن چیزی می‌شود و برایش ارزش قائل می‌شود که دست یافتن و رسیدن به آن برایش دشوار باشد نه این که با دور زدن در خیابان و جستجو در شبکه‌های اجتماعی و... بتواند فرد دیگری را جایگزین کند.

فصل دوم: قواعد ازدواج

قداست ازدواج

خداوند از بدو خلقت انسان، آدم و حوا را جفت آفرید. آفرینش همسر برای تشکیل خانواده، تولید نسل و بنیان زندگی اجتماعی از نعمت‌های خوب الهی است.

خدا برای شما از جنس خودتان همسرانی قرار داد و از همسرتان برای شما فرزندان و نوه‌هایی به وجود آورد و از پاکیزه‌ها به شما روزی داد، آیا باز هم به باطل ایمان می‌آورند و نعمت خدا را انکار می‌کنند.^۲

مهم‌ترین و بزرگترین واقعه^۱ زندگی هر انسانی ازدواج است که در آن زن و مرد براساس یک پیمان مقدس زندگی مشترکی را آغاز می‌کنند. این سنت پسندیده و خوب از دیرباز در میان ادیان و مذاهب و نیز اقوام و قبایل و طوایف مختلف وجود داشته است.

^۲ سوره نحل، آیه ۷۲

ازدواج یکی از سنت‌های دین اسلام می‌باشد که آثار بسیار زیادی در مسائل اجتماعی و معنوی دارد.

در دین مبین اسلام قداست و اهمیت تشکیل خانواده مورد تأکید قرار گرفته تا آنجا که ازدواج به عنوان محبوب‌ترین بنیاد نزد خداوند مطرح شده است. حتی قرآن مجید تشکیل خانواده را مایه تأمین آرامش روان و احساس امنیت و چشمه ظهور دوستی و رحمت دانسته و آن را جزو آیات و نشانه‌های الهی معرفی می‌نماید. آیه ۲۱ سوره روم می‌فرماید: «و از نشانه‌های خداوند آن است که از جنس خود شما همسرانی برای شما آفرید که مایه آرامش شما باشند و میان شما دوستی و رحمت برقرار کرد، در این امر نشانه‌هایی است برای آنان که تفکر می‌کنند.»

در ادیان الهی نیز ازدواج به عنوان عامل تشکیل خانواده و تکثیر و بقای نسل انسان از قداست و اهمیت خاصی برخوردار است و اگر با آگاهی و معیارهای منطقی صورت

گیرد، سلامتی افراد و جامعه را تضمین می‌کند؛ ازدواج مناسب رابطهٔ سالم و بسیار نزدیک و طولانی بین زن و مرد ایجاد می‌کند. در غرب، تلقی دینی از ازدواج به مثابهٔ فرمان خداوند پررنگ‌تر از هرجایی در کلیسای کاتولیک مورد تأکید قرار گرفت. «پاپ پیوس یازدهم» در سال ۱۹۹۳ دوباره بر ماهیت مقدس و فسخ ناپذیری ازدواج صحه گذارد و بر انحصار جنسی آن تأکید کرد و از نقش آن در تولید مثل به مثابهٔ همگامی با خداوند، تجلیل و از اقتصاد خانوار دفاع کرد ولی جریان‌های فلسفی و نیرومندتر و پرنفوذتر راه دیگری در پیش گرفتند.

تعریف ازدواج

ازدواج پیوند مشترک زن و مردی است که تحت شرایط خاصی طبق قانون، شرع و عرف صورت می‌گیرد که به وسیلهٔ آن می‌توانند نیازهای جنسی، عاطفی و مادی خود را تأمین نمایند.

«کارلسون»^۳ ازدواج را عبارت می‌داند از «فرآیند کنش متقابل یک زن و یک مرد که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته و به طور کلی؛ عمل به آنها مورد پذیرش قانون واقع شده است.»

در تعریف دیگر، ازدواج پیوند میان زن و مرد تلقی می‌شود که به لحاظ اجتماعی تأیید و به تصویب رسیده باشد و به قصد نزدیکی و شراکت جنسی، تولید مثل و همیاری اقتصادی تشکیل شود.

بنا به این تعاریف، ازدواج یک اقدام اساسی و زیربنایی برای آغاز زندگی مشترک تلقی می‌شود که با این اقدام، بنیان خانواده شکل می‌گیرد و زندگی زناشویی تحقق می‌پذیرد و این موفقیتی است برای هر یک از زوجین که بتوانند زندگی خانوادگی را تجربه کنند و در

^۳ . Carleson

پناه یکدیگر در آسایش و آرامش به سر برند
و از محبت و مودت با هم زیستن بهره‌مند
شوند و در قالب خانواده احساس امنیت
نمایند.

توکل بر خدا

تکیه‌گاه اصلی انسان، خداوند قادر متعال است
که آفریننده جهان و مدیر و مدبر نظام هستی
می‌باشد.

اوست که راه را هموار می‌سازد و انسان را
کمک و یاری می‌دهد.

توکل یک بینش اسلامی است که بیشتر
جنبهٔ اعتقادی دارد و یک تفکر صحیح و
یک باور معنوی خالصانه که مبنای آن آموزه
های دینی و اخلاقی است که قرآن به آن
اشاره کرده است. افراد با ایمان و متقی به آن
اعتقاد راسخ دارند و از دیرباز خیر و صلاح و
عاقبت کار خویش را به خدا واگذار
می‌کردند. آغاز حرکت در هر امری
مخصوصاً ازدواج باید بر اساس تفکر و
اندیشهٔ صحیح و انتخاب راه درست و

تصمیم عاقلانه و نیز با اتکا و پشتیبانی خداوند باشد.

انسانی که می‌خواهد ازدواج کند ابتدا لازم است تمام سعی و تلاش خود را برای انتخاب همسر مناسب و ایده‌آل به عمل آورد و تا جایی که مقدور است درباره آن آگاهی و شناخت کافی پیدا نماید، سپس با افراد مورد اعتماد مشورت کند. پس از این که جوانب آن را از تمام جهات بررسی نمود، آنگاه تصمیم می‌گیرد و با اتکا بر خداوند متعال اقدام می‌نماید.

خداوند در آیه ۱۵۹ سوره آل عمران می‌فرماید:

«وَشَاوِرْهُمْ فِي أَمْرٍ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»

و در این امر با آنان مشورت کن، هرگاه اراده کردی پس بر خدا توکل کن که خداوند اهل توکل را دوست دارد.»

اهداف ازدواج

به طور کلی، هر فردی که می‌خواهد ازدواج کند اهدافی را برای خود در نظر می‌گیرد که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم.

(۱) تشکیل خانواده

از اهداف اصلی و مهمی که سبب می‌شود انسان اقدام به ازدواج کند تشکیل خانواده است که بتواند با این کار از تنهایی رهایی یابد و به اتفاق همسری که به عنوان شریک زندگی خود انتخاب می‌کند، از آسایش و آرامش برخوردار باشد.

جوانی که ازدواج می‌کند، می‌خواهد تشکیل زندگی مستقلی بدهد و قصد دارد با این اقدام از تحت تکفل، قیمومت، نظارت، حمایت و نیز از زیر سلطهٔ پدر و مادر خود خارج شود تا بتواند شخصاً ادارهٔ امور زندگی خویش را با استفاده از توانایی‌هایی که به دست آورده است برعهده گیرد و او هم مانند والدینش بتواند در اجتماع وجهه و اعتباری به دست بیاورد.

۲) ارضای نیازهای جنسی و عاطفی

یکی دیگر از اهداف ازدواج، رفع نیازهای جنسی و عاطفی است. نیاز جنسی از نیازهای اساسی و فیزیولوژیکی و نیازهای عاطفی نیز یکی از نیازهای اجتماعی انسان به شمار می‌آید؛ بنابراین، نیاز جنسی زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند در قالب مشروع و مقبول آن تأمین می‌شود و بدین ترتیب به روابط جنسی خود نظم و قاعده می‌بخشند و نیازهای عاطفی را نیز از طریق رفتار صمیمانه، مهر و محبت، عشق و دلدادگی نسبت به یکدیگر تأمین می‌کنند.

۳) تولید نسل و تربیت فرزند

انسان هم مانند حیوانات بچه را دوست دارد و از داشتن آن لذت می‌برد. داشتن فرزند یکی از نیازهای اوست، زیرا با تولد اولین فرزند زندگی از حالت یک‌نواختی خارج می‌شود و احساس می‌کنند که پدر یا مادر شده‌اند و این یک واقعهٔ مهمی است که در زندگی آنان رخ داده و به آن شیرینی و طراوت بخشیده

است. به همین دلیل است که وجود فرزند باعث استحکام پایه‌های زندگی زوجین می‌شود. از آن به بعد تربیت فرزندان برای آنها اهمیت زیادی پیدا می‌کند و هر دو در ایفای نقش پدر و مادر، فرزندان خود را تر و خشک می‌کنند و با رنج و زحمت بسیار آنها را بزرگ می‌نمایند؛ آن دو به تعلیم و تربیت فرزندان خود می‌پردازند و به تدریج آنها را با ارزش‌های انسانی و اجتماعی آگاه می‌سازند، رفتار آنها را تحت نظر می‌گیرند و روابط عاطفی، روابط انسانی و روابط اجتماعی را به آنها آموزش می‌دهند.

در خاتمه باید خاطر نشان کرد که فرزندان سرمایهٔ زندگی هستند، چنانچه خوب تربیت شوند کمک حال پدر و مادر می‌باشند و مخصوصاً در پیری عصای دست والدین هستند. بزرگان می‌گویند: «فرزند صالح از باقی الصالحات است.» و این یکی از بهترین ثمرات زندگی است که موجب افتخارات آنها محسوب می‌شود.